

## بررسی و نقد کتاب *الروایة العربیة*

علی‌رضا کاهه\*

### چکیده

درک چگونگی شکل‌گیری و شناخت مراحل پیشرفت ادبیات داستانی عربی و عوامل مؤثر در حرکت آن نیازمند پژوهش‌های دقیق و فراگیری است؛ زیرا وسعت جغرافیایی و تاریخی و موضوعی آن امکان تحقق این امر را دشوار کرده است. به همین دلیل، هر یک از کتاب‌های گوناگونی که تاکنون درباره این موضوع به‌رشته تحریر درآمده است پاسخ‌گوی بخشی از نیاز محققان است. در این میان، لازم است به رویکردهای نقدی مختلف در تحلیل پژوهش‌گران نیز اشاره کرد؛ زیرا هر یک در تحلیل‌های خود به‌دنبال تطبیق رویکرد موردنظر خود بوده‌اند. ارزیابی کتاب *الروایة العربیة*، نوشته راجر آلن، نشان می‌دهد که نویسنده در تدوین کتاب از رویکرد تاریخی - نقدی بهره برده است. ابتدا اوضاع سیاسی و اجتماعی کشورهای عربی در قرن بیستم بررسی شده، سپس سعی شده با ارائه نمونه‌های داستانی خوانش این متون از اوضاع تبیین شود. چالشی که کتاب با آن مواجه است عدم پیروی از روشی منظم در تحلیل متون است؛ امری که سبب شده این کتاب فقط پاسخ‌گوی بخشی از نیاز محققان حوزه رمان عربی باشد و نتوان آن را مرجعی کامل معرفی کرد.

**کلیدواژه‌ها:** راجر آلن، *الروایة العربیة*، ساختار، محتوا.

### ۱. مقدمه

در دوره‌های مختلف و هم‌زمان با تغییر رویکردهای فکری و تحولات مکاتب ادبی، نوع نگاه به رمان و به تبع آن اشکال و اهدافش تغییر یافته است. این نوع ادبی، به‌لحاظ ارتباط موضوعاتش با جامعه و انسان و نیز انعکاس مسائل مختلف، توانسته است در دهه‌های اخیر

\* دکترای زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس، a.kahe@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۰۲

جایگاه فوق‌العاده‌ای به دست آورد. انتشار وسیع این نوع ادبی و تحولات سریع آن تأییدی است بر این گفته که «رمان قادر است نبض عصر و نبض تغییر را در خود جای دهد» (جاسم الموسوی ۱۹۸۵: ۹). در این میان، ادبیات عربی نیز طی سال‌های قرن بیستم دست‌خوش تحولات مهمی شده که شاید یکی از اصلی‌ترین آن‌ها اقبال نویسندگان به نوع ادبی داستان و خلق آثار متعدد در این زمینه باشد. این امر موجب اقبال و اهتمام منتقدان جهت نقد و تحلیل محتوا و عناصر تشکیل‌دهنده این نوع ادبی از زوایای مختلف شده است. هدف از این مقاله ارائه تحلیلی انتقادی از کتاب *الروایة العربیة* به‌منزله تألیفی در حوزه نقد و بررسی رمان عربی است و نگارنده بر آن است تا تحلیل انتقادی جامعی از این اثر در دو سطح ظاهری و محتوایی ارائه کند. در معرفی ظاهری اثر ساختار شکلی، نگارشی، ویرایشی، و خصایص کمی آن بررسی و در بخش تحلیل محتوایی، جوانب علمی آن ارزیابی خواهد شد. پرسش مطرح‌شده در این پژوهش این است که راجر آلن در کتاب خود، با نام *الروایة العربیة*، تا چه میزان اصول ساختاری و محتوایی یک اثر علمی مطلوب را لحاظ کرده است؟

## ۲. تحلیل ساختار ظاهری کتاب

### ۱.۲ معرفی شکلی اثر

کتاب *الروایة العربیة*، اثر راجر آلن، توسط حصّة ابراهیم منیف ترجمه و در ۱۹۹۷ — بدون ذکر نوبت چاپ — به همت انتشارات المجلس الأعلى للثقافة در قاهره چاپ شده است. طبق گفتاری که در صفحه اول کتاب آمده، کتاب برای اولین بار در ۱۹۸۲ در امریکا چاپ شده و در ۱۹۹۵ به چاپ مجدد رسیده است و ترجمه آن با هماهنگی راجر آلن انجام گرفته است. این کتاب با پنج فصل ۳۳۸ صفحه دارد. صفحه عنوان اصلی کتاب به رنگ سبز مایل به خاکستری کم‌رنگ است و در بالای صفحه با رنگ قهوه‌ای پُررنگ نام نویسنده و در پایین آن عنوان کتاب با رنگ قرمز تیره، با فونتی بزرگ‌تر، وجود دارد. در قسمت وسط صفحه تصویری از یک پنجره نرده‌دار بسته که خودش و بخشی از دیوارهای چهار طرفش به رنگ آبی پُررنگ درآمده، به چشم می‌خورد. پایین صفحه نام مترجم قرار دارد و در گوشه راست بالای کتاب آرم انتشارات در کادر مربع آبی‌رنگ قرار گرفته است که پایین آن عبارت «المشروع القومي للترجمة» به شکل عمودی درج شده است. دو صفحه قبل از مقدمه بار دیگر اطلاعات کتاب، که شامل نام کتاب، نام نویسنده، مترجم، ناشر، و سال

چاپ، تکرار شده و در زیر عنوان اصلی عبارت «مقدمة تاريخية و نقدية» با فوتی کوچکتر افزوده شده است.

پشت جلد کتاب حاوی عنوان کتاب و نام نویسنده به انگلیسی در بالای صفحه و آرم انتشارات در سمت چپ است و در پنج پاراگراف به ویژگی رمان، موضوع کتاب، دشواری انتخاب رمان‌های خاص از بین تعداد زیاد رمان‌های عرضه‌شده، و هدف کتاب و مشارکت آن در گفت‌وگوهای نقدی پرداخته شده است. مطالب کتاب به ترتیب عبارت است از: «عنوان»، «معرفی نویسنده»، «مقدمه»، «پیش‌گفتار چاپ اول» به قلم جی. ای. بوزورث، و «مقدمه چاپ اول» و مطالب اصلی کتاب در پنج فصل.

گفته می‌شود که عنوان از اجزای محوری برای فهم کتاب است و مهم‌ترین وظیفه آن تطابقتش با محتوای کتاب و در نگاه نشانه‌شناسی «به‌مثابه سؤالی چالش‌برانگیز است؛ درحالی‌که متن به‌مثابه پاسخی به این سؤال می‌باشد. عنوان (خواننده را) به خاستگاه فکری متن ارجاع می‌دهد و خلاصه پژوهش ادبی را در خود جمع کرده است» (حمداوی ۱۹۹۷: ۱۰۸). در همین راستا، خواننده در نگاه اول درمی‌یابد که راجر آلن برای کتاب خود عنوان کلی «الرواية العربية» (رمان عربی) را انتخاب کرده؛ ولی هنگام تکرار اطلاعات کتاب قبل از مقدمه با افزودن عبارت «مقدمة تاريخية و نقدية» سعی کرده رویکرد خود در پرداختن به این موضوع را محدود کند. او در مقدمه هدف اصلی کتاب را معرفی زمینه‌های تاریخی و ادبی پیدایش رمان عربی بیان می‌کند (آلن ۱۹۹۷: ۹). وی، هم‌چنین، در مقدمه چاپ اول یادآور می‌شود که این کتاب حاصل سه سخن‌رانی او در ماه می (اردیبهشت) ۱۹۸۰ در دانشگاه منچستر است که بعدها نیز ادامه پیدا کرده و دانشگاه کویت هزینه برگزاری و نیز چاپ آن را تقبل کرده است (همان: ۱۳). غیر از فصل‌ها، کتاب شامل یک مقدمه چهارصفحه‌ای، پیش‌گفتار چاپ اول در حدود دو صفحه، و مقدمه چاپ اول با چهار صفحه است.

فصل‌های پنج‌گانه عبارت‌اند از:

فصل اول ذیل عنوان «الرواية: متغیرات تعریف الرواية» در ۱۳ صفحه (همان: ۱۷-۲۹) به دنبال ارائه تعریفی کلی از رمان و موقعیت این نوع ادبی در ادبیات عربی است.

فصل دوم ذیل عنوان «التطورات المبكرة لتقاليد الرواية العربية» (الگوهای آغازین رمان عربی) در ۵۲ صفحه (همان: ۳۱-۸۳) شامل ۹ عنوان فرعی است. در این فصل ابتدا به روند شکل‌گیری و تحولات داستان در کشورهای سوریه، لبنان، عراق، کشورهای حاشیه خلیج فارس، مغرب عربی، و مصر پرداخته شده است. عناوین بعدی آن به این ترتیب است:

«جرجی زیدان و الروایة التاريخية»؛ «محمد المویلحی و نقد المجتمع»؛ «زینب لمحمد حسین هیکل»؛ «التطورات فی مصر بعد زینب»؛ «تنویعات علی الموضوع: شرقاً و غرباً».

فصل سوم تحت عنوان «فترة النضج» (مرحلة پختگی) در ۱۰۸ صفحه (همان: ۸۵-۱۹۳) به ترتیب به این مطالب اشاره می‌کند: پیشینه‌های سیاسی و اجتماعی؛ دهه‌های واقع‌گرایی؛ موضوعات اصلی در رمان جدید عربی؛ درگیری و رویارویی؛ انقلاب و استقلال؛ جنگ داخلی در لبنان؛ تغییر روابط بین غرب و منطقه خاورمیانه؛ تحولات اجتماعی پس از دستیابی به استقلال (تأثیر نفت، ارتباط میان شهر و روستا؛ نقش خانواده و وضعیت زن؛ فرد و آزادی)؛ نجیب محفوظ: داستان‌پردازی مصری و برنده جایزه نوبل؛ تحولات در افق داستانی؛ نویسنده، خواننده، و متن.

فصل چهارم با عنوان «اثننا عشرة رواية عربية» (دوازده رمان عربی) در ۱۳۱ صفحه (همان: ۱۹۵-۳۲۶) شامل بررسی دوازده رمان از نویسندگان مختلف است که از نظر نویسنده جزو رمان‌های برجسته عربی پس از نیمه دوم قرن بیستم‌اند. این رمان‌ها عبارت‌اند از: پُرحرفی بر روی رود نیل (نجیب محفوظ)؛ آن‌چه برایتان باقی مانده (غسان کنفانی)؛ بازگشت پرنده به دریا (حلم برکات)؛ فصل هجرت به شمال (الطیب صالح)؛ روزهای هفت‌گانه انسان (عبدالحکیم قاسم)؛ کشتی (جبرا ابراهیم جبرا)؛ چهارگانه (آسمان آبی بود، مرداب‌های روشن، طناب، دیگر کرانه‌ها) (اسماعیل فهد اسماعیل)؛ الزینی برکات (جمال الغیطانی)؛ وقایع شگفت‌انگیز در ناپدیدشدن سعید ابوالنحس المتشائل (امیل حبیبی)؛ پایان‌ها (عبدالرحمن منیف)؛ داستان زهره (حنان الشیخ)؛ و خون‌ریزی سنگ (ابراهیم الکونی).

فصل پنجم، ذیل عنوان «الخاتمة» در ۹ صفحه (همان: ۳۲۷-۳۳۵) نتیجه‌گیری انجام می‌گیرد و مطالب با فهرست موضوعات کتاب و بدون کتاب‌نامه به پایان می‌رسد.

## ۲.۲ تحلیل ابعاد کمی، نگارشی، و ویرایشی اثر

هر اثر ساختاری دارد که همه اجزای آن در پیوند با یکدیگر کلیت آن را می‌سازند (رضایی و محمودی ۱۳۸۹: ۴۷). کتاب *الروایة العربية* نیز دارای ساختار ویژه خود است. نکته مهم در تعریف این کتاب این است که، علاوه بر عنوان اصلی، دربردارنده عنوان فرعی «مقدمة تاریخیة و تقدیة» است و این رویکرد تقریباً در تمام فصل‌ها، به‌جز فصل چهارم، که فقط نقدی است، حاکم است. بین حجم فصول و تعداد صفحات هماهنگی وجود دارد و صفحات هر فصل رفته‌رفته افزایش پیدا می‌کند که با مقدار تحلیل و بررسی‌ها مطابقت دارد.

نوع و اندازه قلم در متن مناسب است و اندازه قلم در پاورقی‌ها کوچک‌تر از اندازه متن اصلی انتخاب شده است. گفتنی است تعداد سطرهای برخی صفحات نسبتاً زیاد است؛ مخصوصاً این که مطالب برخی صفحات بدون پاراگراف‌بندی یک‌سره به دنبال هم می‌آیند؛ سطرهای صفحاتی که پاورقی ندارند بین ۲۴ و ۲۸ سطر در نوسان است و صفحات هم‌راه پاورقی شامل ۲۰ الی ۲۴ سطر است.

ترجمه اثر مذکور، از حیث زبانی، روان و قابل فهم است. البته، گاه در مواردی سبک عبارات به سبک محاوره‌ای نزدیک شده است. مثلاً، پس از آن که فعل در ابتدای جمله می‌آید، به دلیل جملات معترضه که بین فعل و فاعل یا فعل و مفعول فاصله ایجاد می‌کند فعل دوباره تکرار می‌شود، مانند

تبنی نقاد الرواية العربية القلائل الذين اختاروا تجاوز الحدود القطرية في تقييم النتاج الروائي العربي، تبنوا عدداً من التصنيفات المنظمة لأساليب كتابة الرواية. فيستخدم شكري عياد مثلاً، و هو كاتب قصصي و ناقد في نفس الوقت، يستخدم التصنيفات التالية ... (آلن ۱۹۹۷: ۲۱، ۲۲، ۷۹-۸۱، ۹۱، ۱۰۵-۱۰۶، ۱۸۵).

در مورد صفحه‌آرایی باید گفت از آن‌جا که اصل کتاب در دسترس نبوده، فایل الکترونیکی آن در این مقاله تحلیل شده است؛ این فایل از کیفیت مطلوبی برخوردار نیست؛ به سبب بُرش نامناسب لبه، سطرهای تعدادی از صفحات ناخواناست و گاهی به علت کیفیت پایین چاپ برخی صفحات به هم‌راه پاورقی‌ها به خوبی و یا اصلاً قابل مطالعه نیست (همان: ۹۷، ۹۹-۱۰۱، ۱۰۴، ۱۱۲-۱۱۳، ۱۲۱، ۱۲۸، ۳۰۹، ۳۱۱).

اشتباهات چاپی در سراسر متن و گاهی در پاورقی‌ها دیده می‌شود که می‌توان برای نمونه به مواردی اشاره کرد: سطر ششم بخش مقدمه (یمثل العالم العربي)، که منظور «یمثل» است (همان: ۷). در بخش مقدمه چاپ اول عبارت «الزواتین» به جای «الزواتین» چاپ شده است (همان: ۱۴). «علی الکتاب یکتبه کانت عراقی» (همان: ۴۹) و منظور «کاتب عراقی» است. «إلا أن الضغوط التي أخذت تتنامى في خمسينات ...» (همان: ۱۲۹) که منظور «تنامی» است. «یحمل في ثنایاه غموضاً إبداعياً» (همان: ۲۹۹) که منظور «غموضاً» است. این امر در پاورقی‌ها هم مشهود است، مانند «محسن فاسم الموسوی» به جای «جاسم» (همان: ۲۸). «بریوت» به جای «بیروت» (همان: ۵۰). «محمدحسین یهکل» به جای «هیکل» (همان: ۶۱). گاه این اشتباهات بارها تکرار می‌شوند. مثلاً، بارها در متن و پاورقی از «سلمی الخضرء الجیوسی» با «الجیوشی» نام برده می‌شود (همان: ۳۹، ۱۱۳، ۱۷۸، ۱۸۸ و پاورقی صفحات ۱۱۵، ۱۴۵، ۱۷۸). البته، این گونه اشتباهات چاپی ممکن است باعث گم‌راهی

خواننده شود که امری ناپسندیده است، مانند نام رمان *حدثنا أبوهريرة قال* (۱۹۷۹)، اثر محمود المسعدی، نویسنده تونسی، که به اشتباه «حدثنا أبوهريرة قال» (آلن ۱۹۹۷: ۸۰) نوشته شده است. هم‌چنین، نام‌های دو رمان *اللاز* (۱۹۷۶) و *العشق و الموت فی الزمن الحراشی* (۱۹۷۸)، اثر الطاهر وطار، نویسنده الجزایری، و نیز رمان *قشتمر* (۱۹۸۸)، اثر نجیب محفوظ، که به اشتباه از آن‌ها با عناوین «اللز» و «العشق و الموت فی الزمن الهراشی» (آلن ۱۹۹۷: ۱۲۱، ۱۲۲) و «مشطمور» نام برده شده است (همان: ۱۶۹).

اصول نگارشی در حد مطلوب رعایت شده است؛ ولی گاهی اشتباهاتی در خصوص استفاده از گیومه دیده می‌شود. مثلاً، گاه نقل قول بدون گیومه شروع می‌شود: فهم یقولون لنا مثلاً: إن الروایة ... و هكذا ... (همان: ۱۷). و گاهی برعکس فراموش می‌شود که در پایان نقل قول آورده شود، مانند «الروایة هی الطریقة التي یخاطب بها المجتمع نفسه هذا ما یقوله فیلیب سولرز» (همان: ۸۵ و ۹۱، چهار سطر ماقبل آخر صفحه).

به لحاظ رعایت قواعد صرفی، می‌توان اشتباهاتی یافت که مربوط به عدم مطابقت فعل و فاعل یا صفت و موصوف و نیز اسم اشاره و مشارئیه در تذکیر و تأنیث است، مانند «الروایات التي تتناولها هذا الكتاب ...» (همان: ۱۱)، «تعتبر ظهور رواية ...» (همان: ۱۵۱)، «مقدمة الطبعة الأولى» (همان: ۱۳)، «هذا إلى جانب قدرة القصة القصيرة الفريد على التعامل مع ...» (همان: ۶۵)، «معالجة هذا الحقائق ...» (همان: ۱۰۲)، «فإن الحياة مع مثل هذا الإنسانة ...» (همان: ۱۸، ۶۴، ۶۶، ۱۲۰، ۱۴۴، ۲۵۶، ۳۰۶).

شماره‌های پاورقی‌ها در هر فصل به صورت پیوسته از صفر تا صد بی‌گیری شده است و نویسنده در ارجاعات پاورقی از شیوه نام مؤلف و سپس عنوان کتاب استفاده کرده است؛ ولی شیوه ارجاع گاهی رعایت نمی‌شود و ارجاع به صورت عنوان کتاب و سپس مؤلف می‌آید، مانند صفحات ۶۰، ۶۳، ۱۹۹، ۲۱۳، ۲۲۰، ۲۸۴ ... البته، در موارد نادر اضطراب در ارجاع‌دهی وجود دارد. برای نمونه، در صفحه ۳۷، خواننده به کتاب *أصول القصة العربیة المعاصرة*، اثر متی یونس، ارجاع داده می‌شود؛ ولی در صفحات ۴۴ و ۵۰ به دو کتاب دیگر از همین نویسنده به نام‌های *اصول الفن القصصی العرب المعاصر* و *اصول القصة العربیة الحدیثة* ارجاع داده می‌شود که به دلیل شباهت عناوین به نظر می‌رسد نوعی تشویش صورت گرفته و از آن‌جا که کتاب فاقد کتاب‌نامه است — که خود از معایب کتاب است — تردید در این خصوص بیش‌تر می‌شود. نکته دیگر این است که نویسنده در متن به تاریخ صدور و ترجمه اغلب رمان‌ها اشاره می‌کند؛ ولی گاهی این اشارات، که در دو جا می‌آید، با یکدیگر

هم خوانی ندارد. مثلاً، در جایی می‌خوانیم که «*رمان السفینة*، اثر جبرا ابراهیم جبرا (۱۹۶۵)، ترجمت إلى الإنجليزية عام ۱۹۸۵» (همان: ۱۱۰) و در جایی دیگر آمده: «*السفينة* (۱۹۷۰)، ترجمت إلى الإنجليزية عام ۱۹۸۲» (همان: ۱۲۴). این ناهماهنگی در مورد رمان *شرق المتوسط*، اثر عبدالرحمن منیف، و *رمان النهایات*، یکی دیگر از رمان‌های این نویسنده، نیز رخ داده است (همان: ۹۳، ۱۳۴، ۱۷۵، ۲۹۱).

### ۳. تحلیل ابعاد محتوایی کتاب

#### ۱.۳ تحلیل ویژگی‌های محتوایی اثر

طی دهه‌های گذشته نقد رمان عربی متأثر از مکاتب و جریان‌های ادبی مختلف رویکردهای متفاوتی را دنبال کرده است. در پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه برخی منتقدان هم‌چون نویسنده کتاب *تطور الرواية العربية الحديثة فی مصر (۱۸۷۰-۱۹۳۸)* بر آن‌اند که نویسندگان رمان عربی موضوع و سبک خود را تحت تأثیر شرایط زمان خود انتخاب می‌کنند و از همین منظر جمع بین دو روش تاریخی و نقدی را روش مناسبی برای بررسی متون داستانی می‌دانند (طه بدر ۱۹۷۶: ۱۶). مشابه چنین روشی را می‌توان در نوع تحلیل‌های برخی ناقدان دیگر این حوزه مثل یحیی حقی، محمدیوسف نجم، علی الراعی، و محمدامین العالم نیز یافت. این در حالی است که بعضی ناقدان معاصر عرب مثل سیزا قاسم، سعید یقطین، یمنی العید، عبدالملک مُرتاض، و محمد عزام رویکرد اصلی خود را در حوزه نقد رمان بر روی روایت‌شناسی و تحلیل عناصر داستان (راوی، زمان، مکان، شخصیت، پی‌رنگ، و زبان) متمرکز می‌کنند (خلیل ۲۰۱۰: ۹-۱۰).

با مطالعه مقدمه کتاب *الرواية العربية* خواننده درمی‌یابد که راجر آلن هدف اصلی کتابش را سوق دادن علاقه‌مندان داستان‌های عربی به سمت مطالعه پیشینه‌های ادبی و تاریخی و نیز آشنانمودن آن‌ها با موضوعات و سبک‌های این داستان‌ها قرار داده است؛ زیرا این روش به اعتقاد وی گامی است در جهت تشویق علاقه‌مندان به مطالعه این آثار (آلن ۱۹۹۷: ۹) و از آن‌جاکه برخی محققان بر آن‌اند که «تبیین متن‌های ادبی در گستره‌ای زمانی به دیدی تاریخ‌مند نیاز دارد» (میرعابدینی ۱۳۷۷: ۸) راجر آلن نیز، که موضوعات مطرح شده در رمان عربی را انعکاسی از واقعیت‌های دوران خود می‌داند، مبنای کار خود را براساس بررسی زمینه‌های سیاسی-اجتماعی سپس استخراج موضوعات اصلی داستان‌های عربی به‌همراه بررسی عناصر داستانی برجسته موجود در آن‌ها قرار داده است.

در فصل اول نویسنده به ارائه آرای برخی ناقدان غربی مبنی بر دشواری بودن تعریفی جامع برای رمان می‌پردازد و نتیجه‌گیری می‌کند که این نوع ادبی از یک سو منعکس‌کننده تغییرات جامعه است و، از سوی دیگر، خود نیز در معرض تغییر و تحول قرار دارد. وی بر آن است که در خصوص کاربرد اصطلاحات رمان، قصه، و داستان بلند در زبان عربی نوعی اضطراب وجود دارد که تعریف برخی آثار داستانی را با مشکل مواجه کرده است. سپس، یادآور می‌شود که با در نظر گرفتن ویژگی‌های رمان داستان معاصر عربی و ام‌دار قصه‌های قدیمی ادبیات عربی نیست، بلکه متأثر از ادبیات غرب شکل گرفته و در سال‌های اخیر به جایگاه خوبی رسیده است.

فصل دوم با سخنی در خصوص این‌که زمینه پیدایش رمان معاصر عربی به دوره موسوم به عصر نهضت و ابتدای قرن نوزدهم میلادی برمی‌گردد آغاز می‌شود. نویسنده بر آن است که ظهور و تقابل دو پدیده اصلی، که از آن‌ها با عناوین مختلف قدیم و جدید، سنتی و معاصر، کلاسیک‌ها و نوگرایان نام برده می‌شود، نقش مهمی در تحولات فرهنگی این دوره داشته‌اند. وی، با اشاره به وجود میراث‌های داستانی قدیم، مانند هزارویک شب و مقامات متذکر می‌شود که حکایت‌های هزارویک شب تأثیر زیادی در ادبیات غرب داشته است و سبک مقامات نیز مورد توجه نویسندگان عصر نهضت بوده است. نویسنده سپس رویکردهای فرهنگی در کشورهای سوریه، لبنان، عراق، کشورهای حاشیه خلیج فارس، کشورهای شمال آفریقا، و مصر را مورد توجه قرار می‌دهد و، با اشاره به نقش ترجمه و روزنامه‌ها در رونق داستان، با اشاره گذرایی به تلاش‌های اولیه نویسندگانی امثال ناصیف الیازجی، احمد فارس الشدیاق، سلیم البستانی، رفاعه الطهطاوی، و مصطفی لطفی المنفلوطی نتیجه‌گیری می‌کند که عوامل تاریخی، جغرافیایی، و سیاسی باعث تفاوت سیر تحولات داستان در کشورهای مختلف عربی شده است. از این‌جا به بعد رویکرد تاریخی — نقدی دنبال می‌شود و مؤلف در سه بخش جداگانه به بررسی جرجی زیدان و داستان‌های تاریخی او و نیز محمدالمویلحی و اثر معروفش، حدیث عیسی بن هشام، و سپس محمدحسین هیکل، صاحب رمان زینب (اولین رمان عربی به معنای واقعی به اعتقاد وی)، می‌پردازد. ادامه مباحث این فصل مربوط است به ذکر داستان‌های متعددی که تا سال ۱۹۳۹ در مصر و دیگر کشورها منتشر شده‌اند.

در فصل سوم، که حجم قابل توجهی دارد، ابتدا به بررسی اوضاع سیاسی — اقتصادی کشورهای عربی پس از جنگ جهانی دوم و مسائل گوناگون آن زمان پرداخته می‌شود؛ مسائلی هم‌چون:



۱. اکتشاف نفت در شبه جزیره عربستان؛
  ۲. تلاش کشورهای عربی برای دستیابی به استقلال و نقش انگلستان در اشغال سرزمین فلسطین؛
  ۳. شکل گیری پیمان های بین المللی پس از جنگ جهانی دوم و تأسیس اتحادیه عرب و موفقیت برخی کشورهای عربی در دستیابی به استقلال؛
  ۴. برجسته شدن نقش نویسندگان عرب در به تصویر کشیدن شرایط پیش آمده جدید؛
  ۵. شکست نظامی کشورهای عربی از اسرائیل در ۱۹۶۷ و پی آمدهای آن؛
  ۶. امضای پیمان کمپ دیوید؛
  ۷. جنگ داخلی در لبنان؛
  ۸. تجاوز عراق به خاک ایران و کویت؛
  ۹. مطرح شدن ضرورت الهام گیری از ادبیات گذشته و بازنگری در مقولات فکری و ادبی.
- نویسنده، با ذکر این نکته که رمان مانند آینه منعکس کننده اوضاع جامعه است و آن را مورد نقد و تحلیل قرار می دهد، می کوشد از همین منظر سه موضوع اصلی مطرح شده در رمان های عربی در فاصله بین سال های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ را مورد بررسی کلی قرار دهد:
۱. موضوع فلسطین و چگونگی انعکاس آن در آثار نویسندگانی هم چون غسان کنفانی، جبرا ابراهیم جبرا، امیل حبیبی، سحر خلیفه، و لیانه بدر؛
  ۲. انقلاب و استقلال؛
  ۳. جنگ داخلی لبنان.
- نگرش حاکم بر این فصل تاریخی - نقدی است و مؤلف در ادامه بررسی خود سعی دارد تحولات اجتماعی به وجود آمده پس از استقلال کشورهای عربی را از میان داستان های عربی استخراج کند و با بررسی مضامین برخی از آنها تصویری از این تحولات به خواننده ارائه نماید. وی عمده ترین این تحولات را در سه زمینه معرفی می کند:
۱. ارتباط بین شهر و روستا؛
  ۲. خانواده و وضعیت زن در جامعه؛
  ۳. آزادی های فردی.
- کتاب در ادامه با اختصاص بخشی جداگانه نجیب محفوظ را مورد بررسی قرار می دهد و از بروز تحولات در سبک داستان پردازی نویسندگانی مانند یوسف القعید، جمال الغیطانی،

الیاس خوری، ولید اخلاصی، و ابراهیم نصرالله نیز سخن می‌گویند. بخش پایانی این فصل اختصاص دارد به وضعیت نویسندگان و خوانندگان در کشورهای عربی و نیز متن داستانی و مباحث مرتبط با کاربرد زبان عامیانه و فصیح در آن و اوضاع نشر کتاب.

فصل چهارم شامل بررسی دوازده رمان از نویسندگان مختلف است که از نظر نویسنده شباهت و تفاوت‌هایی با یک‌دیگر دارند. به نظر وی، شباهت آن‌ها در این است که همگی منعکس‌کننده مشکلات جوامع خودند و ابراز نارضایتی نویسندگان از کاستی‌های موجود زمان خودشان است. اختلاف این رمان‌ها در سبک هر یک از آن‌هاست که در نوع روایت، زمان وقوع حوادث، و مکان و غیره نمود یافته است. نگرش حاکم بر این فصل نقدی است و راجر آلن این نکته را نیز یادآور می‌شود که تحلیل رمان‌های انتخاب‌شده در جهت تبیین رویکردهای آن‌هاست و نه ارائه لیستی از رمان‌های منحصر به فرد و نمونه. بنابراین، ممکن است برخی منتقدان آثار دیگری را در اولویت قرار دهند یا تحلیل‌های متفاوتی از این آثار ارائه کنند.

در فصل پنجم مؤلف نتیجه می‌گیرد که رمان، با هرگونه سبکی، پیوسته اوضاع پیرامون را منعکس می‌کند. تغییرات سریع و گوناگون دنیای کنونی بر درک نویسندگان تأثیرگذار است و نویسندگان عرب با دریافت‌های مختلف از پیرامون خود هم‌چنان داستان‌هایی خلق می‌کنند که پیچیدگی‌های جهان پیرامون خود را موردکاوش قرار می‌دهند. انتشار رمان‌های عربی و اقبال خوانندگان و ظهور داستان‌پردازان زن رو به فزونی است و منتقدان با آثاری مواجه‌اند که در محتوا و سبک متفاوت‌تر از قبل می‌باشند.

### ۲.۳ اخلاق پژوهشی

اخلاق پژوهشی در تدوین اثر علمی به معنای آن است که نویسنده با در نظر گرفتن مجموعه‌ای از قراردادهای اخلاقی، که شامل دوری از تعصبات و سلیقه شخصی و نیز امانت‌داری علمی در استفاده از دیگر مراجع است، حاصل پژوهش‌های خود را به‌رشته تحریر درآورد (اسلامی ۱۳۹۱: ۱۴۴)؛ از این رو، بدیهی است هنگامی که نویسنده‌ای بی‌طرفی علمی و امانت‌داری را در پژوهش خود حفظ کند، می‌توان گفت اخلاق پژوهشی را رعایت کرده است.

نویسنده در کتاب خود توانسته دیدگاه شخصی خود را درباره مسائل گسترده‌ای مطرح کند و خوانش خود از متون داستانی را در اختیار خواننده قرار دهد. وی آن‌جا که لازم دیده

از آرای منتقدان عربی و غربی هم بهره برده است. بنابراین، اغلب صفحات حاوی ارجاعاتی است که در نقل آن‌ها امانت‌داری رعایت شده است. این بدان معنا نیست که این اثر فاقد هر نوع نقصی در این خصوص است، بلکه گاهی بی‌دقتی باعث شده که مثلاً کتاب *معنی المأساة فی الرواية العربية: الرواية العربية فی رحلة العذاب*، اثر غالی شکری، به اشتباه *الرواية العربية فی رحلة أدب* ذکر شود که بعید است اشتباه چاپی باشد (آلن ۱۹۹۷: ۱۲۶). شتاب‌زدگی در اقتباس این جمله، که داخل گیومه قرار گرفته و نام منتقد و مرجع آن ذکر نشده نیز، مشهود است: «و قضايا ماوراء الطبيعة التي تخر بها هذه الأعمال إنما تمتحن القارىء و إلى أقصى درجة ممكنة في 'تعليق و وقف قدرته على عدم التصديق' كما يقول أحد النقاد» (همان: ۷۷). هم‌چنین، اقتباس این جمله از تریلنج که بدون ارجاع در پاورقی نقل شده است: «و الرواية العربية التي يمكنها أن تظهر كما يقول تريلنج 'مدى التنوع الإنساني و قيمة هذا التنوع'، تناولت هذه القضايا ...» (همان: ۱۱۸-۱۱۹).

نویسنده در شرح مسائل ادبی سعی کرده، علاوه بر ارائه آرای بی‌طرفانه، خواننده را به منابع مختلفی ارجاع دهد که یا از آن‌ها استفاده کرده است یا حاوی اطلاعات مفصل‌تری می‌باشند. در نقل مباحث تاریخی، بی‌طرفی رعایت شده است. مثلاً، نویسنده تلاش کشورهای استعمارگر در قرن گذشته برای تقسیم کشورهای منطقه و سلطه بر آن‌ها و نیز نقش انگلستان و کشورهای غربی در اشغال سرزمین فلسطین و اجبار ساکنان آن به ترک وطن خود را یادآور شده است (همان: ۸۷-۹۵). نویسنده متأثر از حضور در کشورهای عربی از نام «خلیج فارس» استفاده نکرده که امری غیرقابل قبول است (همان: ۳۸، ۴۰، ۹۲).

### ۳.۳ مزایای کتاب

به‌هنگام بررسی ادبیات معاصر عربی با انبوهی از رمان‌ها و مجموعه‌داستان‌ها مواجه می‌شویم که تنظیم و طبقه‌بندی همه این آثار در کتابی تاریخی - انتقادی چند پرسش را پیش روی خواننده قرار می‌دهد؛ این‌که آیا می‌توان نویسندگان کشورهای مختلف از دوره‌های متفاوت را یک‌جا گرد هم آورد و آثار آن‌ها را داوری و نقد کرد؟ پیوند منطقی بین این متون با سبک‌ها و موضوعات پراکنده چیست؟

حنا الفاخوری بر آن است که داستان‌سرایان در مشرق‌زمین با الهام از واقعیات زندگی آثارشان را خلق می‌کنند؛ زیرا، به نظر آن‌ها، زندگی سرچشمه‌ای غنی برای داستان‌پردازی است (الفاخوری ۱۹۸۶: ۲۸). به اعتقاد ناقدان، این نکته در مورد فضای به‌وجودآمده در

کشورهای عربی پس از جنگ جهانی دوم قابل‌صدق است؛ زیرا سبک رئالیسم توانست با کنارزدن رمانتیسم تا حد زیادی در ادبیات عربی فراگیر شود و منتقدانی هم‌چون محمد مندور، لوئیس عوض، عبدالعظیم انیس، و محمود امین‌العالم در پژوهش‌های ادبی خود با دنبال کردن این رویکرد نقش شرایط سیاسی و اجتماعی را در شکل‌گیری سبک و محتوای آثار ادبی انکارناپذیر می‌دانستند (ابراهیم الهواری ۲۰۰۳: ۲۲۰-۲۳۰). هم‌چنین، از آن‌جاکه رمان، بنابر اعتقاد برخی محققان، «وقایعی را روایت می‌کند که سعی دارند واقعی‌تر جلوه کنند و منعکس‌کننده دیدگاه‌های انسان و آنچه در جهان رخ می‌دهد باشند» (مرتاض ۱۹۹۸: ۱۲)، شاهد این هستیم که در این دوران سبک رئالیسم انتقادی سبک رایج داستان‌پردازی در ادبیات عربی قرار گرفته است (عصفور ۲۰۰۳: ۷۸) و اغلب نویسندگان سعی کرده‌اند با خلق شخصیت‌هایی، که نماینده تمایلات اصلی دوران خود بودند، واقعیت‌ها و مسائل موجود آن دوره را به تصویر بکشند. راجر آلن از همین منظر کوشیده به بررسی آثار نویسندگانی بپردازد که توانسته‌اند واقعیات بیرونی زمان خویش را به‌نمایش بگذارند و با در نظر گرفتن این مطلب آن‌ها را زیر یک مجموعه واحد گرد آورده است و رویکرد تاریخی - نقدی را مبنای پژوهش خود قرار داده است که می‌تواند از چند جهت برای خواننده مفید باشد:

- رویکرد تاریخی حاکم بر کتاب اطلاعات فشرده گسترده‌ای، که شامل مسائل سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی است، در اختیار خواننده قرار می‌دهد؛
- مؤلف پس از تبیین مسائل تاریخی با نگاهی شمولی در پی استخراج اصلی‌ترین موضوعات در رمان‌های عربی است. بنابراین، خواننده با نویسندگان و رمان‌هایی متعدد با موضوعاتی متنوع و از نقاط جغرافیایی مختلف آشنا می‌شود؛
- از آن‌جاکه مباحث مطرح شده در کتاب مربوط به کشورهای مسلمان منطقه و آثار نویسندگان این کشورهاست، خواننده با چالش‌هایی که مردم و نخبگان این جوامع در قرن گذشته با آن‌ها روبه‌رو بوده‌اند آشنا می‌شود و نکات قابل‌توجهی دریافت می‌کند.

از آن‌جاکه نویسنده با اشراف به موضوع مسائل را از بیرون دنبال کرده، بخش‌هایی از کتابش می‌تواند در کنار سایر کتب به‌عنوان کتاب کمک‌آموزشی برای درس متون نثر معاصر جهت ارجاع و بحث مورد استفاده قرار گیرد. کتاب تا حد مطلوبی به منابع انگلیسی موجود در زمینه ادبیات معاصر عربی ارجاع داده که امتیاز محسوب می‌شود.

### ۴.۳ معایب کتاب

علاوه بر معایبی که پیش‌تر به برخی از آن‌ها در بخش تحلیل ساختاری اشاره شد، موارد زیر نیز قابل ذکر است:

#### ۱.۴.۳ نبود روش واحد در تحلیل متن‌ها

نویسنده در تحلیل رمان‌ها از یک سو رویکردی مشخص و روش‌مند ندارد و از سوی دیگر هر اثر را در کلیت آن بررسی کرده است؛ یعنی نقد محتوا و فرم را درهم آمیخته و تفکیک نکرده است. تحلیل‌ها بیش‌تر محتوایی است و به دنبال آن بارزترین عناصر (شخصیت، زاویه دید، زبان، و ...) مورد بررسی بسیار موجز قرار می‌گیرند. خواننده پس از پایان مطالعه درمی‌یابد که نوع تحلیل‌ها مخصوصاً تحلیل عناصر با یک‌دیگر تفاوت دارد. بنابراین، مهارت تحلیل روش‌مند رمان را پیدا نمی‌کند.

#### ۲.۴.۳ ناهماهنگی برخی عناوین فرعی با محتوا

برای مثال، در فصل سوم، ذیل عنوان فرعی «عقود الواقعیة» (آلن ۱۹۹۷: ۱۰۲)، نویسنده به سیر داستان‌های رمانتیک و تاریخی می‌پردازد. در همین فصل و ذیل عنوان «تبدل العلاقات بین الغرب و منطقة الشرق الأوسط» (همان: ۱۳۳)، از چگونگی به‌تصویر کشیده شدن غرب در برخی رمان‌های عربی پس از جنگ جهانی دوم به بعد سخن می‌گوید؛ رمان‌هایی مانند *الحی اللاتینی* (۱۹۵۳)، اثر سهیل ادریس، و *موسم الهجرة إلى الشمال* (۱۹۶۶)، اثر الطیب صالح. بنابراین، عنوان «صورة الغرب فی الروایة العربیة» برای آن مناسب‌تر است.

#### ۳.۴.۳ انتخاب گزینشی موضوعات

این امر در پاره‌ای از بخش‌ها انسجام فصل را از بین برده است. مثلاً، در فصل سوم، ذیل عنوان «نجیب محفوظ: روائی مصری و حامل جائزة نوبل»، با اختصاص ۱۲ صفحه (آلن ۱۹۹۷: ۱۵۹-۱۷۱)، به معرفی نجیب محفوظ و مراحل نویسندگی او پرداخته شده که دربردارنده مطالب جدیدی نیست. نویسنده در ادامه و ذیل عنوان «الکاتب و القاریء و النص» (همان: ۱۷۷-۱۹۳)، با اختصاص ۱۷ صفحه، با مجزاکردن این سه مقوله به‌طور جداگانه، به‌شکل گزارشی به آن‌ها پرداخته که نه‌تنها تحلیلی نیست، بلکه گاه تکرار مسائلی است که قبلاً بیان شده‌اند.

### ۴.۴.۳ نادیده‌انگاشتن جریان‌های جدید

به‌رغم شکل‌گیری جریان‌های جدید در دهه ۱۹۶۰ و ورود نویسندگان نوظهور به عرصه داستان‌نویسی، نقش و جایگاه آن‌ها در تحول رمان عربی نادیده گرفته شده است. اگرچه نویسنده، ذیل عنوان «التحول فی المنظور القصصی» (همان: ۱۷۱-۱۷۷)، سعی کرده به برخی از این داستان‌پردازان و تحولات پیش‌آمده در این زمینه بپردازد، این بررسی بسیار موجز و فشرده است.

## ۴. نتیجه‌گیری

بررسی انتقادی کتاب *الروایة العربیة* نشان می‌دهد که:

۱. کتاب در بررسی موضوع رمان عربی رویکرد تاریخی و نقدی دارد و، باتوجه‌به گستردگی مطالب مطرح در آن، خواننده، ازیک‌سو، اطلاعات زمینه‌ای خوبی از مسائل تاریخی و جغرافیایی دریافت می‌کند و، ازسوی‌دیگر، با داستان‌پردازان و موضوعات متنوع رمان‌های آن‌ها آشنا می‌شود؛
۲. علاوه‌بر برخی ضعف‌های ساختاری، تحلیل‌های ارائه‌شده منسجم و روش‌مند نیست. بنابراین، مهارت لازم برای تحلیل رمان، که یکی از اهداف مهم آموزشی است، دراختیار فراگیران قرار نمی‌گیرد. از این کتاب می‌توان، در کنار کتاب‌های دیگر، برای ارجاع و بحث استفاده کرد.

## کتاب‌نامه

- ابراهیم الهواری، احمد (۲۰۰۳)، *تقد الروایة (فی الادب العربی الحدیث فی مصر)*، بی‌جا: عین للدراسات و البحوث الانسانیة و الاجتماعیة.
- اسلامی، سیدحسین (۱۳۹۱)، *اخلاق و آیین تقد کتاب*، تهران: خانه کتاب.
- آلن، راجر (۱۹۹۷)، *الروایة العربیة*، ترجمة حصة ابراهیم منیف، قاهره: المجلس الأعلى للثقافة.
- جاسم الموسوی، محسن (۱۹۸۵)، *عصر الروایة (مقال فی النوع الأدبی)*، بغداد: مطبعة الديوانی.
- حمداوی، جمیل (۱۹۹۷)، «السیمیوطیقا و العنونة»، *عالم الفکر*، ش ۳.
- خلیل، ابراهیم (۲۰۱۰)، *بنیة النص الروائی*، بیروت: الدار العربیة للعلوم ناشرون.
- رضایی، غلام‌عباس و ابوبکر محمودی (۱۳۸۹)، «بررسی تطور ساختاری دو قصیده جاهلی و اسلامی از حسان بن ثابت با نظر به مکتب ساختارگرایی»، *پژوهش‌نامه تقد ادبی*، ش ۱.

- طه بدر، عبدالمحسن (١٩٧٦)، *تطور الرواية العربية الحديثة في مصر (١٨٧٠ - ١٩٣٨)*، قاهره: دار المعارف.
- عصفور، جابر (٢٠٠٣)، «صعود الواقعية»، *مجلة العربي*، ش ٥٤٠.
- الفاخوري، حنا (١٩٨٦)، *الجامع في تاريخ الأدب العربي (الأدب الحديث)*، بيروت: دار الجيل.
- مرتاض، عبدالملك (١٩٩٨)، «في نظرية الرواية بحث في تقنيات السرد»، *عالم المعرفة*، ش ٢٤٠.
- ميرعابديني، حسن (١٣٧٧)، *صد سال داستان‌نویسی ایران*، ج ٣، تهران: چشمه.